

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

بخش علوم اجتماعی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان
گرایش زن و خانواده

مقایسه میزان آگاهی زنان و مردان از حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی
مرتبط با آن

مؤلف :

حکیمه احمد پور

استاد راهنما :

دکتر سعیده گروسی

استاد مشاور :

دکتر داریوش بوستانی

بهمن ماه ۱۳۹۱

اداره تحصیلات تکمیلی

بسمه تعالی



این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به
گروه علوم اجتماعی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهیدباهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور
شناخته نمی شود

امضاء

نام و نام خانوادگی

دانشجو: حکیمه احمدپور

استاد راهنما: دکتر سعیده گروسی

استاد مشاور: دکتر داریوش بوستانی

دور ۱: دکتر محمد اکبری

دور ۲: دکتر مهدی امیرکافی

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر مهر انگیز علی نژاد محمدآبادی

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده: دکتر عنایت الله شریف پور

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه است

تقدیم به:

تمام زنان و مردانی که در پی آگاهی از حقوق شهروندی هستند.

تشکر و قدردانی

با تقدیر و تشکر از استاد ارجمندم سرکارخانم دکتر سعیده گروسی که در انجام این تحقیق از راهنمایی های ایشان بسیار بهره برده ام، استاد گرانقدر جناب آقای دکتر داریوش بوستانی که امر مشاوره این پروژه بر عهده ایشان بوده و اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد اکبری و جناب آقای دکتر مهدی امیرکافی که زحمت داوری این تحقیق را تقبل نموده اند.

چکیده

آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. پژوهش حاضر به دنبال مقایسه میزان آگاهی زنان و مردان از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن می‌باشد. دیدگاه‌های مختلف در رابطه با حقوق شهروندی بررسی و نظرات مارکس، هابرماس، ترنر و پارسونز به منظور چارچوب نظری انتخاب شده‌اند. فرضیات تحقیق وجود رابطه بین متغیرهایی چون پایگاه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش عام‌گرایی-خاص‌گرایی را با میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌سنجند. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایش است و جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه افراد بالای ۱۵ سال شهر بابک می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. طبق این فرمول حجم نمونه ۳۸۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. متغیر وابسته این پژوهش میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده که به تفکیک به صورت آگاهی از حقوق اجتماعی، آگاهی از حقوق مدنی، آگاهی از حقوق سیاسی، آگاهی از حقوق جنسیتی و آگاهی از حقوق فرهنگی سنجیده می‌شود. متغیرهای مستقل شامل مشارکت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش عام‌گرایی-خاص‌گرایی هستند. در این پژوهش یافته‌ها حاکی از آن است که ۸/۹ درصد (۱۰/۷ درصد زنان و ۷/۳ درصد مردان) از پاسخ‌گویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشته، ۸۴/۲ درصد (۸۴ درصد زنان و ۸۴/۵ درصد مردان) آگاهی متوسط و ۶/۸ درصد (۵/۳ درصد زنان و ۸/۲ درصد مردان) از آگاهی بالایی برخوردار بوده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که میزان آگاهی مردان از حقوق شهروندی از زنان بیشتر است. بیشترین آگاهی مربوط به آگاهی از حقوق جنسیتی و کمترین آگاهی مربوط به آگاهی از حقوق مدنی است. رابطه معنی‌دار متغیرهای مشارکت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش عام‌گرایی-خاص‌گرایی با متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی در این پژوهش به تأیید رسیده است.

کلمات کلیدی: حقوق شهروندی، آگاهی، زنان، مردان، پایگاه اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی

فهرست

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱-مقدمه	۲
۲-۱-بیان مسأله.....	۴
۳-۱-ضرورت واهمیت تحقیق.....	۱۰
۴-۱-هدفهای تحقیق	۱۲
۵-۱-تعریف مفاهیم.....	۱۴

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱-۱-تحقیقات پیشین.....	۱۹
۱-۱-۲-تحقیقات داخلی	۱۹
۲-۱-۲-تحقیقات خارجی	۲۲
۲-۲-تحولات تاریخی شهروندی	۲۶
۱-۲-۲-یونان باستان.....	۲۶
۲-۲-۲-روم باستان.....	۲۸
۳-۲-۲-قرون وسطی.....	۲۹
۴-۲-۲-شهروندی عصر روشنگری	۲۹
۵-۲-۲-شهروندی قرن ۱۶و۱۷.....	۳۰
۶-۲-۲-شهروندی در دوران مدرن.....	۳۰
۷-۲-۲-ایران باستان	۳۱
۳-۲-گفتمان های شهروندی	۳۲
۱-۳-۲-گفتمان فردگرایی لیبرال.....	۳۳
۲-۳-۲-گفتمان شهروندی اجتماع گرا.....	۳۵
۳-۳-۲-گفتمان شهروندی جمهوری گرا.....	۳۶
۴-۳-۲-گفتمان فمینیستی شهروندی.....	۳۷
۴-۲-دیدگاه های شهروندی.....	۴۰

۴۰ ۱-۴-۲ مارکس
۴۲ ۲-۴-۲ هایبرماس
۴۴ ۳-۴-۲ مارشال
۴۶ ۴-۴-۲ دارندورف
۴۷ ۵-۴-۲ ترنر
۵۱ ۶-۴-۲ پارسونز
۵۵ ۷-۴-۲ ژانوسکی
۵۷ ۸-۴-۲ وبر
۵۸ ۵-۲ دیدگاه های پست مدرن
۵۸ ۱-۵-۲ فالکس
۵۹ ۲-۵-۲ یونگ
۶۰ ۳-۵-۲ کیملیکا
۶۲ ۶-۲ چارچوب نظری
۶۴ ۷-۲ مدل نظری تحقیق
۶۵ ۸-۲ فرضیات تحقیق

فصل سوم: روش شناسی

۶۹ ۱-۳ روش تحقیق
۷۰ ۲-۳ جامعه آماری
۷۰ ۳-۳ نمونه
۷۱ ۴-۳ روش نمونه گیری
۷۱ ۵-۳ ابزار جمع آوری داده ها
۷۲ ۶-۳ اعتبار و پایایی
۷۲ ۷-۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۷۳ ۸-۳ تعریف نظریو عملیاتی متغیرها
۷۳ ۱-۸-۳ تعریف نظری آگاهی از حقوق شهروندی
۷۵ ۲-۸-۳ تعریف عملیاتی آگاهی از حقوق شهروندی

- ۳-۸-۳- تعریف نظری پایگاه اجتماعی ۷۸
- ۳-۸-۴- تعریف عملیاتی پایگاه اجتماعی ۷۸
- ۳-۸-۵- تعریف نظری میزان تحصیلات ۷۸
- ۳-۸-۶- تعریف عملیاتی میزان تحصیلات ۷۸
- ۳-۸-۷- تعریف نظری درآمد ۷۸
- ۳-۸-۸- تعریف عملیاتی درآمد ۷۹
- ۳-۸-۹- تعریف نظری شغل ۷۹
- ۳-۸-۱۰- تعریف عملیاتی شغل ۷۹
- ۳-۸-۱۱- تعریف نظری مشارکت اجتماعی ۷۹
- ۳-۸-۱۲- تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی ۷۹
- ۳-۸-۱۳- تعریف نظری عام گرایی - خاص گرایی ۸۱
- ۳-۸-۱۴- تعریف عملیاتی عام گرایی - خاص گرایی ۸۱
- ۳-۸-۱۵- تعریف نظری وسایل ارتباط جمعی ۸۲
- ۳-۸-۱۶- تعریف عملیاتی وسایل ارتباط جمعی ۸۲
- ۳-۸-۱۷- متغیرهای زمینه ای ۸۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

- ۴-۱- توصیف ویژگیهای زمینه ای پاسخگویان ۸۵
- ۴-۲- توصیف متغیرهای تحقیق ۹۵
- ۴-۳- آماره های استنباطی ۱۰۷

فصل پنجم: نتیجه گیری

- ۵-۱- یافته های حاصل از جداول آمار توصیفی ۱۴۳
- ۵-۲- یافته های حاصل از جداول استنباطی ۱۴۶
- ۵-۳- پیشنهادهای کاربردی ۱۵۲
- ۵-۴- محدودیتهای تحقیق ۱۵۳

منابع و مؤاخذ

- منابع فارسی ۱۵۵

منابع انگلیسی..... ۱۵۹

ضمیمه

پرسشنامه

چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

مفهوم شهروندی^۱ به عنوان مفهومی جدید در ادبیات اجتماعی-سیاسی جهان امروز تبلور پیدا کرده است. با تأسی به این مفهوم، شهروندان انتظار دارند که به بسیاری از حقوقی که در گذشته عموماً نادیده گرفته می شد دست یابند. دستیابی به این حقوق بدون توجه به عنصر آگاهی اجتناب ناپذیر است. (گل پرور، ۱۳۸۸: ۱۶۸) شهروندی از مشتقات شهر و حاصل رابطه دو سویه فرد و دولت است، این رابطه از یک سو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد می باشد. به باور برخی از صاحب نظران شهرنشین ها آن هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به حقوق و تکالیف خویش در قبال شهر و اجتماع عمل کنند به شهروند ارتقاء یافته اند. یک شهروند عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است، افرادی که به یک دولت - ملت خاص تعلق دارند، دارای اسناد و مدارکی هستند که این اسناد و مدارک را قانون اساسی هر دولتی تعیین می کند که معمولاً

1-citizenship

تابع دو معیار می باشد: یک محل تولد و دیگری ملیت پدر و مادر، البته شهروندی از راه ازدواج با زن یا مرد شهروند هر کشوری نیز بدست می آید. این گونه شهروندی همه حقوق شهروندی را شامل نمی شود.

شهروندان هر جامعه عناصر اصلی و بنیادی آن جامعه را تشکیل می دهند . بدون تردید دارا بودن چنین شهروندانی که نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و خود را نسبت به سرنوشت جامعه خویش مسئول دانسته و در امور مختلف مربوط به آن مشارکت نمایند ضامن بقای آن جامعه است. نیاز به شهروندانی خوب و فعال سبب شده است که شهروندی به یک تقاضای جهانی تبدیل شود . مفهوم شهروندی به عنوان فردی که تعهداتش را نسبت به جامعه اش می پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی خود آگاه بودن را لازمه مشارکت خود می داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکل ها ، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می دانند (فتحی و اجارگاہ و واحد چوکده، ۱۳۸۸)

شهروندی به عنوان رویکردی که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می کند تعامل بین فرد و جامعه را جهت می دهد. (Parker, 2000) و همچنین به یک تعهد دو بعدی ، مشارکت آگاهانه فرد در فعل و انفعالات جامعه و احقاق و احترام به حقوق فردی توسط دولت اشاره دارد . آنچه امروزه این مسائل را عمده کرده آرمان برابری مخصوصا میان زن و مرد است که اگر چه به شدت در دل مفهوم شهروندی نهفته است اما در عمل به صورت ناقص تحقق یافته است.

۱-۲- بیان مسأله

بهبود اوضاع زندگی آدمیان و تحقق عدالت اجتماعی هم وسیله و هم هدف توسعه همه جانبه است . برای پیشرفت و بالندگی یک جامعه، باید از تمامی ظرفیت ها و توانمندی ها بهره جست و امکانات بالقوه را به بالفعل تبدیل کرد.

مهمترین شرط تحقق جامعه ای بهبود یافته، برابری انسان ها در حق بهره مندی از امکانات پیش روی جامعه است . به عبارت دیگر گام نهادن جامعه در مسیر توسعه مستلزم زیست نفرات آن به مثابه عاملان برخوردار از حقوق شهروندی است. شهروندی زاینده ی زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیدی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد . شهروندی طرح سوالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه ، عدالت ، مراقبت ، مسئولیت ، دولت ، آزادی ، تعاملات اجتماعی ، احترام و به ویژه ارزشها ، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی ، نوع واکنش افراد را شامل می شود . شهروندی با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است . (Combs,2001:27)

حقوق شهروندی در بردارنده مجموعه حقوق و تکالیفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر، نهادها و جامعه دارند. مارشال سه نوع حقوق را در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص می دهد و می گوید:

۱- حقوق مدنی شامل آزادی افراد برای زندگی در هر جایی است که انتخاب می کنند و شامل آزادی بیان و مذهب و حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

۲- حقوق سیاسی شامل حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن است

۳- حقوق اجتماعی، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود و این حقوق شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۹)

مفاهیم، اصول و نهادهای مربوط به شهروندی طی قرون متمادی گسترش یافته و دارای پیشینه طولانی است شهروندی ریشه در دولت شهرهای سومر، یونان و روم باستان دارد. اولین تلاش منظم برای توسعه نظریه شهروندی را ارسطو انجام داده است. مطابق با تعریف ارسطو شهروند هم باید حکمروایی و هم فرمانبرداری کند. لذا، در نمونه آتنی در قرن پنجم تا چهار دهه قبل از میلاد مشارکت سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. علاوه بر آن، آتنی ها اهمیت مبنای مادی شهروندی را به خوبی تشخیص داده و فقر را مانعی برای آن قلمداد می کردند. با وجودی که آزادی فضیلت مدنی محسوب می شد، اما شهروندی در دولت شهرها تا حد زیادی انحصاری بود و زنان، بردگان، بربرها و بیگانگان را شامل نمی شد.

در روم ، مفهوم شهروندی دستخوش تغییراتی شد و به طور قابل توجهی به جمعیت خارج از دولت شهرها نیز گسترش یافت . اما این همه گیری و گسترش دامنه شهروندی به مغلوبین امپراتوری از عمق آن کاست و توجه به مشارکت تا حد زیادی از میان رفت . (شیانی ، ۱۳۸۴: ۱۱)

در قرون وسطی ، اهمیت شهروندی بیشتر کاهش یافت در چند شهر ایتالیا چون فلورانس و ونیز شهروندی بر اساس مدل جمهوری یونان وجود داشت، در این دوره ، شهروندی حالت سلسله مراتبی به خود گرفت و حتی حقوق شهروندان مطابق با مالکیت و دارایی تغییر می کرد. اما به قول ماکس وبر جامعه شناس آلمانی، این شهرها نقش مهمی در پایه ریزی و ظهور شهروندی مدرن ایفا کردند. در قرون ۱۸ و ۱۹ با توسعه تفکر لیبرالیسم مبتنی بر آراء هابز و لاک ، توسعه اقتصاد پولی و فعالیتهای صنعتی و مالیات پایه ای برای تشکیل اجتماع شهروندی شد . در حقیقت با تغییرات پدید آمده تعادل نیروهای اجتماعی در دولت مدرن دگرگون شد و منطق مساوات طلبی و توجه به رفع نیازهای مادی شهروندان توسط دولت به شهروندی وارد شد . این امر از سویی دیگر سبب رشد شهروندان درجه دوم گردید . در نیمه قرن بیستم ، توسعه حقوق اجتماعی به شکل دولت رفاه ، نمود یافت نقطه عطف توجه به شهروندی انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و به وجود آمدن حکومتهای مشروطه بوده است که مردم تبدیل به شهروند شدند که نه فرمانبردار صرف، بلکه حق اظهار نظر و مشارکت در حکوت را داشتند در این نوع شهروندی بیش از پیش بر حقوق ملت در مقابل دولت تاکید می شد. عناصر اصلی این شهروندی توجه به خواست عمومی ، مجموعه حقوق برابر و وظایف در قبال دولت و کشور بود. در قرن ۲۰ با ایجاد نظام آموزشی و تأمین اجتماعی ، حق دسترسی به مجموعه وسیعی از مزایای عمومی که توسط دولت در حوزه بهداشت، آموزش و غیره ارائه شد بنام شهروندی اجتماعی به منصف ظهور رسید، که پایه و اساس شهروندی برابری قرار دارد که با

نابرابری های منتج از نظام سرمایه داری در تضاد است. محرومیت شهروندان از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی آنان را به شدت تنزل می دهد محروم سازی اجتماعی، موجب تضعیف پیوند اجتماعی می شود و قوام شهروندی را به عنوان یک نیروی همگرا کننده در جامعه معاصر زیر سؤال می برد (Lauer & Lauer, 2002: 297).

به نظر می رسد آگاهی از حقوق شهروندی امروزه به عنوان نیاز اساسی برای تمام شهروندان درآمده است. بدون شک گرایش دولت های مردم سالار و ملت ها به سوی شناخت مردم از میزان آگاهی از حقوق شهروندی شان به صورت خود به خود رشد نکرده است، بلکه نوعی احساس نیاز جوامع نوین را به سوی درک این آگاهی و بصیرت سوق داده است.

آگاهی از حقوق شهروندی از جنبه های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پر مخاطره مدرن است عدم توجه به آگاهی از حقوق شهروندی مخدوش کننده پایگاهها و نقش ها و سبب تأخیر در کارها و هزینه بر شدن آنها، خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت می شود. چرخش نظریه های جامعه شناسی به سمت مفاهیم نرم همانند: آگاهی از حقوق شهروندی و مشارکت در همین راستا است. اگر آگاهی از حقوق شهروندی در یک جامعه در سطح بالایی نباشد، افراد نمی دانند چه نوع حقوق و تکالیفی در جامعه و در قبال دیگران دارند، و چگونه می بایست در جهت تحقق و ایفای آنها تلاش کنند. شک نیست جامعه ای که فرد فرد آن از حقوق خود آگاهی کامل دارند با جامعه ای که افراد آن حتی از حق حیات خود نیز آگاه نیستند، متفاوت زندگی می کنند.

در این تحقیق سعی شده است میزان آگاهی از حقوق شهروندی و رابطه آن با عواملی چون پایگاه اجتماعی ، استفاده از وسایل ارتباط جمعی ، مشارکت و نگرش عام گرایی - خاص گرایی سنجیده شود .

کارل مارکس با انتقاد شدید به نظام سرمایه داری معتقد است که شرایط اقتصادی عامل تعیین کننده افکار و آگاهی از حقوق شهروندی است. بنا براین پایگاه اجتماعی افراد عامل مهمی در بالا رفتن آگاهی ایشان است .

به نظر ترنر بهتر است به جای تعریف شهروندی در چارچوبی از حقوق و تکالیف آن را به عنوان یک فرآیند درآوریم که منابعی را باز توزیع می کند. شهروندی ملی در قرن نوزدهم بر مبنای تقسیمات نژادی شکل گرفته بود و بر مبنای یک هویت قومی و ملی ، بیگانگان را از دسترسی به منابع محروم می ساخت. (ترنر، ۱۳۸۴: ۲۹) ترنر استفاده از منابع را عاملی مهم در بالا رفتن آگاهی می داند. این منابع را امروزه می توان در قالب تلویزیون رادیو ، اینترنت ، روزنامه و مجله قرار داد که نقش مهمی در شکل گیری ، تغییر نگرش ، اندیشه و آگاهی شهروندان دارند.

پارسونز به رابطه عام گرایی - خاص گرایی و آگاهی از حقوق شهروندی می پردازد . نگرش عام گرایانه، هنجارها و قواعد عام را در حوزه عمل اجتماعی تقویت می کند. در نگرش عام گرایانه ، فرد بر طبق هنجار عام با دیگران رفتار می کند نه بر اساس روابط خاصی که با وی دارند.

با استفاده از نظریه هابرماس می توان به رابطه مشارکت و آگاهی از حقوق شهروندی اشاره کرد . هابرماس شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی ، جامعه مدنی و حوزه عمومی تحلیل می کند و نسبت به حوزه های عمومی بسیار خوش بین است . به نظر وی اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی

برخوردار خواهند شد. در این حوزه ها افراد مسئولیتها و حقوق خود را به عنوان شهروند پذیرفته و قادر به بیان نظریه ها و عقایدشان می شوند. هابرماس نقش حضور در حوزه عمومی و مشارکت را در بالا رفتن آگاهی مؤثر می داند.

در بیشتر جوامع امروزی اصول شهروندی مورد پذیرش حکومت و مردم قرار گرفته است. در این میان به نظر می رسد در برخی جوامع، زنان نتوانسته اند وجود خویش را به عنوان شهروندانی صاحب حق به خود، مردان و حاکمان بقبولانند. زنان نیمی از انسان ها هستند؛ نیمی که در تاریخ تحول علم و تاریخ و سیاست کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. زنان با ایفای نقش در نظام سنتی تقسیم کار حضور تاریخی خود در نظام مردسالاری را تداوم بخشیده اند. به موازات تداوم نظام مردسالاری در نقش ها و کارکردهای افراد جامعه بعد جنسیت به طور سنتی از مباحث اجتماعی و سیاسی و از جمله نظریه های مربوط به شهروندی غایب بوده است. حضور زنان در حوزه خصوصی جاماندگی آنان از برخورداری از آزادیهای اجتماعی و سیاسی نسبت به مردان حاضر در حوزه عمومی را به همراه داشته است. (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۴۵) پیامد این حضور بسیار اندک بی قدرتی زنان در فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری امور مربوط به خویش می باشد. در واقع انسانی که عامل نیست، بی قدرت است و در جهان کنونی کسی که بی قدرت است، شهروند نیست. (سن، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

مسئله شهروندی و مسئله جنسیت از مسائل مبتلا به نه تنها جامعه ما که همه جوامع است. بحث و برخورد آرا در ارتباط با حقوق و تکالیف زن و مرد در همه فرهنگها جریان دارد. دولت ها همواره کوشیده اند که برابری، هر چه بیشتر همگانی باشد اما در طول تاریخ، عوامل زیادی باعث از بین رفتن این برابری بوده اند که یکی از این

عوامل جنسیت است به طوری که مفهوم شهروندی همیشه جنسیتی بوده و زن و مرد در ارتباطی متفاوت با این مفهوم قرار می گیرند و همواره زنان وضعیت نامساعدتری دارند (Walby,1998:375)

آگاهی نخستین مرحله در درک و شناخت وضعیت نابرابر و مورد تبعیض تلقی می شود و نخستین مرحله ای است که وجود آن برای هر کنش جمعی و بیان انتظارات و مطالبات از جانب زنان لازم شمرده می شود. این آگاهی متضمن اطلاع از گروههای برتر و مسلط بر منابع و امکانات جامعه در مقابل گروههای فرودست و بدون بهره می باشد. رسیدن به حقوق شهروندی برابر برای زنان در جامعه ما تا زمانی که آنان آگاهی دقیقی از آن ندارند امکان پذیر نخواهد شد ، زیرا به دلیل این عدم آگاهی نمی توانند حق خود را مطالبه کنند چنان که به عقیده هابرماس اگر شهروندان جهان بخواهند در کره زمین به سازماندهی خود پردازند و شکلی از نمایندگی انتخابی دموکراتیک را بیافرینند ، برای همبستگی هنجارهای خود مبنایی جز آگاهی ندارند. (انصاری، ۱۳۸۴:۱۰۰)

در ایران تحقیقاتی در مورد حقوق شهروندی انجام شده است که به عنوان مثال می توان به پژوهش گلپور ۱۳۸۸ و شمس پور ۱۳۸۹ اشاره کرد . گلپور نشان داده است که میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است . در تحقیق شمس پور هم مشخص می شود که تنها درصد کمی از زنان از حقوق شهروندی آگاهی بالایی دارند. این تحقیقات در شهرهای بزرگی چون تهران انجام شده است. پژوهش حاضر در پی آن است که این آگاهی را در شهری کوچک و بامقایسه زنان و مردان بسنجد چون به نظر می رسد که عدم آگاهی از حقوق شهروندی از عمده ترین مسائلی است که در شهرهای کوچک بیشتر به چشم می خورد.